

آپس ریکی مدی
① ارانہ دکالت

بنام خدا

② انواع رعای (سہو رعوی - امام علی)

③ رعای ثلاث (رعوی - صرف عددی - سماعت (رعی - سراجہ مدنی)

④ رعواست درہ اعوان علی دارعواست

استغای دلیل :

① به مرتب ساره ۳۹ ق. آ. د. م. ← باید موضوع استغای را به رانگاه اصطلاح وحد.

+ رفواست اسباب صریح استغای به سبکی ← رانگاه پنداری تحفی را دلیلی نمی داند.

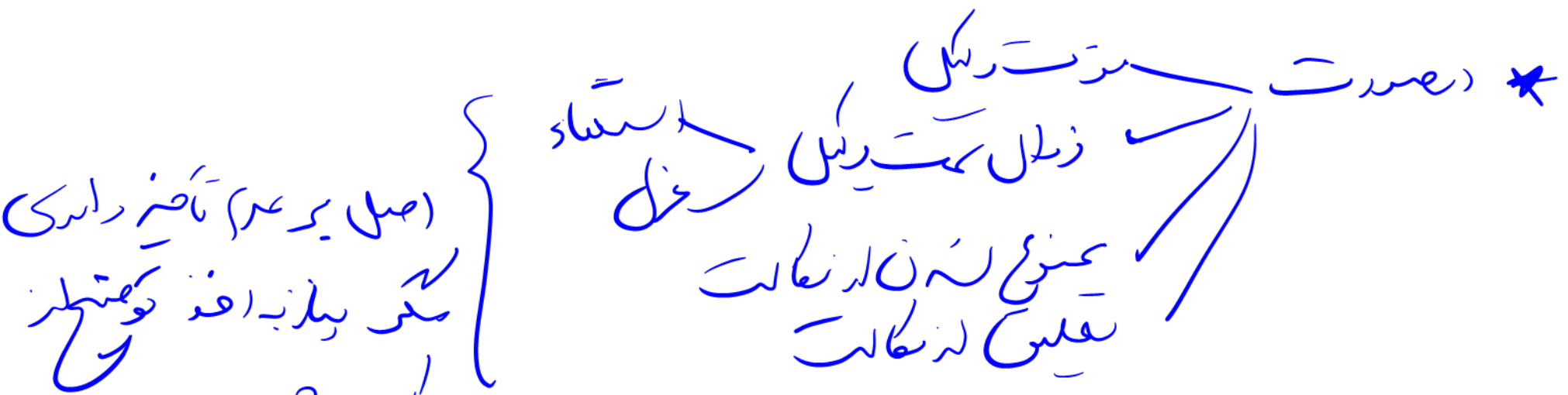
ابلاغ به سبکی که کما پرده در استغای کیده
دلیلی جدید معرفی نماید.

② به مرتب استغای ساره ۳۹ ق. آ. د. م. ← دلیلی مستحق که در رفواست تقدم در بیان
مکلف است علاوه بر رانگاه به سبکی نیز اعلام نماید.

③ اگر صریح تصای از استغای دلیلی مطلع شود و لو این که سبکی اصطلاح دانسته باشد.

بدان صورت همچنان اسباب ادیان مصای به دلیلی رد می شود موثر است و
اوراد را راه حکمی داند.

④ از تاریخ اصطلاح مرجع تصای که استغای دلیلی، اسباب ادیان تصای به سبکی
محسوس بوده و رزق نقی به برنده سبکی خواهد بود.



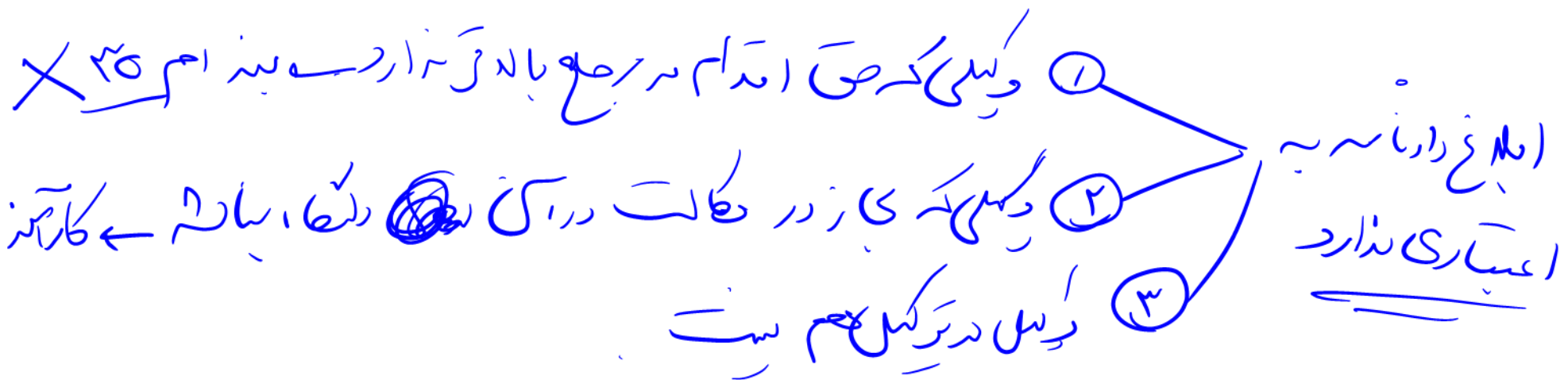
* رکنی در مقام ابداع
استعداد یا از روی رأی استماع کند
که گفتار یا توصیف بر حسب حد و حدود

۴۴۴ آ. د. -> اگر رکنی در ای حق اعدام در اربع ملایر رداشته باره

و استقامت در حد -> باید به درگاه اصطلح در حد -> از تاریخ اصطلح به درگاه
علی الاصل درگاه بنایه دی را ردا ای تحت بند -> درگاه رأی را به هر
رکنی کند -> از تاریخ ابداع رأی به مسلک جهت آغازی شود
* اگر مسلک ایست کند که از استقامت رکنی مطلع بنوه -> از تاریخ اصطلح مسلک جهت شروع
ی شود

* به طبع استای را خواست کدیده یا رضام وکیل حسینی نیز زنتی بود
اما ادامه مراحل دیگر یار ارفع نقی بر عمده سبک در تاریخ اطلاع بر این
موضوعی می باشد.

* ضرورت زبان دارد به سبک که جهت عین نقدی بر عمده وکیل حسینی است



مقایسه سال ۵۴ و ۷۴ ق. آ. د. م.

۳۵۴ ← (اراده دلس) ← استیفاء

محکمیت ← ~~نقض~~ تصدیق ← استیفاء

پس از تصدیق → استیفاء از ردیت

سند ثان استیفاء رأی ← استیفاء

سند ثان استیفاء رأی → استیفاء از ردیت

اصل ← محکمیت های اعترافی لزوماً استیفاء بر دلس

حالی که با کواثر مگر بصورت ایضاً عدم اطلاع مبلغ

۳۷۴ ← بدین اراده دلس ← مؤثر دلس

محکمیت یعنی نکران لزومات

ماده تاجر

محکمیت در محکمیت کذب و تقاضای یا رضای خواهی

در تاراج اصل و محکمیت محکمیت شرعی کواثر

* در این صورت از تاراج استیفاء = محکمیت های اعترافی مخرجی کواثر

دعوی و اقامتیں :

دعوی
مہر اعم
مہر اخص

بہ حکای ارجا ← (سبۃ عمل المدعی واللمی علی من انکر)

شہادہ دعوی و اقامتیں

① تقسیم دعوی بہ → دعوی عمومی ← کہتی عمومی سورہ تفتیح یا انکار و اقرار

دعوی خصوصی ← حقی صورتی در و کہتی نہ کہ صنیہ عری
نداشتہ دگھن سورہی محلیہ ریشی و اندام بہ طرح دعوی ہی کہہ
صرما رستہ اصنہ دعوی ← مطالیہ نفعہ - مطالیہ حق کلہ بہ
صلح بد - فقرہ شہوری

② تقسیم عاقد کا ار حیت سے شروع حتیٰ
 عاقدی منتول
 عاقدی غیر منتول

* ۴۰۲۰ ق ۴۰۱۔ اعلیٰہ ریون ارضیتل آرضی، تنی سوع، مال (۱) جابہ عینی سٹاھر،
 ولو انی کہ مربوط بہ مال غیر منتول یا نہ از حیت صلاحیت کاکم (۲) حکم منتول
 رعوی منتول مطالبہ دوام بابت (۱) باقی گاشی نزدیکی یک رستگار دیارمان
 کل لغات خواندہ۔ ناگاہ نہ ترکید۔ مطالبہ دسی نزدیکی یک حذر ربی ساری
 عمل تنظیم تر کردہ
 مکتد لغہ ریستم

اسیادت ① رعوی الدوام بہ کویل مال غیر منتول۔

یک آئی رعایا۔ حوزہ ار علیہ وزرئذہ۔ الدوام بہ کویل سوع
 حمتو کالف۔ رعوی الدوام بہ کویل مال منتول
 رعوی الدوام بہ کویل مال منتول
 رعوی الدوام بہ کویل مال منتول

② دعوی الزام به استان مال غیر مسئول

آیه های ← الزام به تنظیم سند رسمی

③ دعوی مطالبه اجرت المثل احوال غیر مسئول

در مورد از این بنده خارج می شود {
اجرت المسمی ← در حکم مسئول ← سؤال ماده ۲۰
ملک ← اجاره ← اجر عفو
ولید
مطالبه اجرت المثل احوال مسئول ← سؤال م ۲۰

④ مطالبه خسارت مربوط به مال غیر مسئول

در تمام حالات ← مطالبه خسارت مربوط به مال مسئول در تحول ای بنده خارج است

(نکته)

نتیجه این ۴ استثناء، با وجود این که ریش محسوب می شود اما باید بداند
در نوع صالح غیر مستعمل (نامرغی) گردد.

دکای مربوط به ← حق تألیف

← حق اضراع

← حکم الهی که دکا آنست که های باری

← حق برائت آنست که تنی همراه و ثابت

{ مستعمل

* رعوی سه تنی رعی کس در سه دیکارت

تحتک ← احاطه غیر مستعمل باکی غلبه دارد

م ۷۱۱۱.۲ ← حیرانات و اشتباه در طایفه
صالح کی ها
پیری عمل ذراعت
اعتصابی دارد

مصلحت کاکم ✓

از جهت

توقیف احوال ✓

رعایا عذر مستدل ← حکم عذر مستدل
مصلحت کاکم ✓

از سایر جهات → مستدل

دعوی اصلی

تقسیم دعای ارضی است برای بودن یا در دلبای رسیدگی اول آن

رعایا اصلی

رعایا طاری

خوانده اصلی علیه خوانده اصلی

دعوی تعاضل ←

دعوی اضافی

دعوی ثالثی

دعوی ثالثی

اصلی

تبعی

دعوی اصلی

رضه مطالبه نشسته

رضه دعوی اولی الامر

رضه دعوی اولی الامر

رضه دعوی اولی الامر

رضه دعوی اولی الامر

الزام به تنظیم سند می باشد است در این سند مالی

مطالبه وجه

الزام به تحويل سند

اخذ به تنبیه

تقسیم دعاوی به

مالی

مستبنا مالی به است آنکه

عین مالی

مستبنا مالی به است باینکه

ولایتی که دارای آثار مالی باشد

صلاتی - ضمانتی

دائنا عین مالی - طلبی - تکلیفی

دعاوی عین مالی

دائنا مالی هستند مطالبه مصالح قانونگذار در فرضیه جهت آن ها

را عین مالی اعتباری دانسته است

تعهد خودی

① دعاوی ثلاث در سه مانع

باعتبار حق

بر طلب کرده ای

② دعاوی بی ساختن موجود دیگر

به استثنای مطالبه بجز

③ دعوی الزام از در ورش مالی ملک در جای که مالکیت مورد رافقه باشد

④ قلع و جلع - ادای حکام طلبی - مالی

دعاوی عین مالی استیلا

نکۃ: گنگہ مورد مسئول یا غیر مسئول بودن دعوی ← اصل پر مسئول بودن

نکۃ: گنگہ مورد مالی یا غیر مالی بودن دعوی ← اصل پر مالی بودن

تتم رعایت مالی
عینی
شخصی

حق مالکیت عینی
حق انتفاع
حق ارتفاق

حق
عینی
شخصی
مال
شخص مالک
مال
گنگہ سبب یہ گنگہ پر دادر
ملک
دین
بدھکار

انواع حق عینی

حق عینی اصلی — حق است مستقل نسبت به عین مال و
مربط به حق ریورسیت حق مالکیت

حق عینی بقی

حق است وابسته نسبت به عین مال

والتبہ بدیہ حق رتی

حق رتی

الف مات — طلبکار
ب مخدومی دینہ
ج مہر عمار

تعاود حق مالی و حق غیر مالی

- ① ^{مال}حق مالی مستأصالی بهیست کی یا که در مرتبه ایه مال است اما حق غیر مالی بهیست به مال مستودراتی که در افعال این غیر مستأصالی بهیست گیر یا اگر مالی دلالت یابد
- ② حق مالی قایل تنوع بهیست اما حق غیر مالی قایل تنوع بهیست
- ③ حق مالی قایل تعقیف و باز است اما حق غیر مالی قایل توقیف و باز است
- ④ حق مالی قایل استیسا است اما حق غیر مالی ^{است}أصراً قایل استیسا ^{است}هست

زوال دعوی ← از پیش رفتن دعوی

به سهولت اعم ← زوال دعوی که در هر حال رسیدگی در حال رسیدگی است
 اما بنا به ردایی این دعوی را ازل می شود به سال ۹۶ ق. آ. د. م. عدم ارائه اصول
 به سهولت اخص ← زوال حق دعوی ← امکان طرح کید دعوی وجود ندارد
 اسناد توسط خواهان در محاکمه ردی نمی امکان طرح
 کید دعوی وجود دارد.

دعوی تصرف عدوانی : م ۱۵۸ ق. آ. د. م.

①	تصرف خواهان	بیداری بصری بودن تصرف خود را اثبات
②	تصرف عدوانی	کند صحتی آفرانده نامشروع بودن تصرف خواهان را اثبات
	تصرف عدوانی	کند باز هم مدعی دعوی نخواهد بود

② حق تصرف عدوانی → تصرف عدوانی → تصرف عدوانی

۳) عدای پس تصرف خوانده به بدین گیر فانی با وکدیری وادرن

دعای تله ۱۰ اکان طرح در مورد مال صلح نکرده است هر یک راجع به ۱۶۸
یکی ترشگی نکرده است و به مالیت شای علی به نکرده است و قلع
بخانه ← م ۳۴۳ ق ۱۰ اجرای احکام صبی

به موجب م ۱۷۴ ق ۱۰ آ. ا. ر. م. ← اکان صدره سدر موقت و وجود دارد.

نکته صدره سدر موقت در این دعای به طبع استیاری بیاری به توابع
صدات اجمالی و تأسیس ریشی حوزه تصای ندارد.

